

هسته اصلی گسترش دولت در چند قرن اخیر بوده، به طور همه جانبه در تشریح فعالیتهای دولت مورد توجه قرار نگرفته است.

ایراد سوم را باید در کم اهمیت جلوه دادن نقش طبقات اجتماعی و ارتباط آنها با دولت جستجو کرد. ساختار طبقات اجتماعی، که ویژگیهای خاص خود را در کشورهای عربی دارد و دولت متکی بر درآمد دائم از منابع نفتی متغیرهایی می باشد که در ساختار نظری کتاب جایگاه واقعی خود را نیافته اند. به نظر می رسد که رهیافت اقتصاد سیاسی می توانست کمک درخور توجهی در به هم پیوستن متغیرهای فوق کند و در ضمن، تنوع موجود در منطقه را نیز به فراموشی نسپارد.

آخرین ایراد مربوط به نقش مذهب در تحکیم پایه های اقتدار دولت است. شواهد و قراین تجربی حاکی از سیاسی شدن روز افزون مذهب و نوعی آشتی ناپذیری بین این دو نهاد در ممالک اسلامی است. بدون تردید، تاریخ مذهب در ممالک عربی بیانگر نوعی رابطه حمایت گرایانه مذهب از دولتهای حاکم بوده است. ولی سؤال اصلی که باید بدان پاسخ گفت این است که تحت چه شرایطی همان مذهب مشروعیت بخش نظام دولت عرب به مذهبی پرخاشگر و مشروعیت زدای نظامات حاکم تبدیل می شود؟ این سؤالی است که فصلهای کتاب در سایه قراین اندک موردهایی نظیر عربستان سعودی کم اهمیت جلوه می دهند. شایسته است که رابطه مذهب و دولت را در یک

ظرف پویا که دائماً در شرایط اقتصادی - سیاسی متفاوت متحول می شود، تحلیل و ارزیابی کرد. در پایان، باید دستاورد اصلی کتاب را در معطوف ساختن توجه محققان به مفهوم دولت و ضرورت تحقیقات بیشتر در این زمینه دانست. البته، تحقق چنین امری، بدون شک، با گامهای نویسنندگان کتاب به مراتب مشکل تر می نمود.

هادی ستمی

### توسعه رویایی: از وابستگی تا خودکفایی در منطقه عرب

Sayigh, Yusif A. *Elusive Development: From Dependence to Self-Reliance in the Arab Region*. New York: Routledge, 1991, pp. 270.

اصولاً چرا توسعه؟ آیا اصلاً توسعه و بهائی که به هر حال باید برای آن پرداخت ضروری است؟ آیا توسعه فقط موضوعی در اذهان اقتصاددانان و سایر عالمان علوم اجتماعی و سیاسی نیست که سعی در قبولاندن آن به سیاست گذاران و افکار عمومی دارند؟ آیا کسانی که خواهان یک زندگی ساده توسعه نیافته هستند که طبیعت و محیط زیست را نیز سالم نگاه می دارد، حرفی برای گفتن ندارند؟ به واقع، معنای توسعه چیست و تا چه حد ارزشمند است؟

از مهمترین عواملی که می تواند باعث ثبات یا عدم ثبات هر کشور، بخصوص کشور در حال توسعه ای باشد، خواسته اکثر مردم است. اکثر مردم در بیشتر مناطق جهان خواسته های تقریباً مشابهی دارند: حقوق کافی، تغذیه صحیح، بهداشت مناسب، مسکن خوب، نظام آموزشی کارآمد و بالاخره آینده بهتری برای فرزندان خود. اما در حقیقت، مجموع این شرایط همان معنای توسعه را دربردارد.

یوسف صایغ در کتاب خود توسعه روایی: از وابستگی تا خودکفایی در منطقه عرب، در مقام پاسخگویی به بعضی از سوالات فوق برمی آید. اما به رغم عنوان کتاب، موضوع فقط مربوط به دنیای عرب نیست. سه فصل از پنج فصل کتاب بحث توسعه را در جهان سوم و آمریکای لاتین دنبال می کند و تنها دو فصل آخر کتاب به کشورهای عربی مربوط می شود. حتی در این دو فصل نیز به نظر می رسد که توجه نویسنده به دنیای در حال توسعه است و به کشورهای عربی محدود نمی شود. درباره فصل چهارم، «امکان پذیری توسعه خودکفایی عرب»، نویسنده اظهار می دارد: «اگر چه [این فصل] محدود به منطقه عرب می باشد، اما پژوهشی است که می تواند قابل تعمیم به کلیه جهان سوم باشد».

«انتظارات و تلاشهای بی ثمر برای توسعه» عنوان فصل اول است که به مفهوم توسعه می پردازد و اینکه چه نوع توسعه ای

مطلوب بوده و چگونه می تواند تحقق پذیرد.

فصل دوم، «پارادایم وابستگی» نظریه وابستگی را که در اوایل دهه ۷۰ در اوج مقبولیت آکادمیک خود قرار داشت، به طور مختصر و مفید تجزیه و تحلیل می کند. در این فصل نویسنده انتقادات مربوط به عدم کارایی پارادایم وابستگی را برمی شمارد، اما اضافه می کند که این پارادایم «هنوز ارزش حفظ و نگهداری را دارد». او علت را «ارتباط تاریخی بین وابستگی و عقب ماندگی که نقش مهمی در روشن شدن بسیاری از دلایل عقب ماندگی دارد» می داند، اگر چه در مورد این ارتباط تاریخی هیچگونه توضیحی نمی دهد.

توسعه خودکفا چیست؟ آیا همان «توسعه مستقل» است؟ اصولاً معنای خودکفایی چیست؟ آیا در دنیای جدید، وابستگی های متقابل و چندجانبه جای مشکل توسعه خودکفایی اعراب را عدم حضور نیروهای سیاسی و اجتماعی قوی که خودکفایی - به معنای کلاسیک آن - را نمی گیرد؟ فصل سوم کتاب به ترسیم و تشریح معنای خودکفایی می پردازد.

فصل چهارم کتاب، به رغم عنوان بحث برانگیز آن که پیشتر ذکر کردیم، مطلب حیرت انگیزی را عنوان نمی کند. نویسنده، بتواند «دگرگونی رادیکال» را برنامه ریزی و اجرا کنند، می داند، در انتها، نویسنده نتیجه مشخص از بحث خود در این فصل ارائه می دهد که اولین آنها این است که توسعه خودکفا برای منطقه عرب

امکان پذیر است، اگر در کل منطقه و به صورت یک کوشش دسته جمعی و برنامه ریزی شده انجام گیرد.

فصل پنجم کتاب نیز به تشریح و

فرشاد ملک احمدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی